

چند دوبیتی جدید (قسمت دوم)

یزید این زمانه

یزید این زمانه، سیاف خونخوار
نموده قتل، هزاران مردم زار
شریکش در جنایت حزب وحدت
ندارند خوفی از پیرسان دادار

مدفن آبائی ام

گر بمیرم در برت، ای مدفن آبائی ام
شاد و خرم می شود، این دل سودائی ام
تا بکی از دوریت چشم پر از خون روز و شب
میهن زیبای من، ای کشور آبائی ام

جور زمانه

آخر از جور زمانه، شد نصیبم دوریت
آه و واویلا چه سازم، از غم رنجوریت
خائنان ناخلف، کردند ترا دریا خون
ای وطن دیگر ندارم، طاقت مهجوریت

خلیل زاد

خلیل زاد، ای خلیل زاد، ای خبیث زاد
تو بودی دشمن میهن، ز اجداد
نبودی نطفهء پاک، از ولادت
و گرنه می نکردی، ملکت بر باد

ظالمان شیخ وشاب

ای خدا! شد ملک ما از بُن خراب
از جفای ظالمان شیخ وشاب
ظالمان نوکران اجنبی
کن ز لطفت جمله ظالم راعقاب

عالم غربت

آخراز کوی تو مادر، بس دور شدم
وز غم هجر و فراق، بی نور شدم
عالم غربت و هجران وطن
شب و روزم ز فکر تو، رنجور شدم

آسمان زیبا

دور از توبه غربت و جنون می سوزم
وز دامن پاک تو برون می سوزم
شب ها به یاد آسمان زیبا یت
در بستر خواب همچو مجنون می سوزم

دیدن کهسارت

در آرزوی دیدن کهسارت، می میرم
وز حسرت دوری گل بهارت می میرم
تا کی؟ بتوان صبر همه دوری و هجرانت
خواهم به برت، که در انتظارت می میرم

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۲۰۲۳، ۴، ۲۱، سدنی

